

این زنان شجاع بر نمی آید. ازیت و آزار دائمی، شلاق و زندان، شکنجه و جرمه زنان را به تسلیم نکشاند است. مساله زن دست از سر این رژیم بر نمی دارد. جامعه بطور روزمره شاهد کشمکش دائمی مردم با رژیم اسلامی بر سر حقوق زن، حجاب، سنگسار و اعدام است. جنبش حقوق زن در ایران، نه تنها در منطقه، بلکه در دنیا فعال ترین جنبش زنان است. لذا ملی - مذهبی ها مجبور به رسمیت شناختن این واقعیت شده اند. اینها از طرح این بند در بیانیه شان دو هدف را دنبال می کنند: ۱- می خواهند به رژیم اسلامی بفهمانند که اگر در مقابل برخی از مطالبات این جنبش تسلیم نشود، کل رژیم اسلامی بر باد خواهد رفت؛ ۲- میخواهند جنبش حقوق زن را به دنبالچه خود بدل کنند و بر دوش این جنبش در دولت برای خود جا و سهمی دست و پا کنند.

این جریان در بیانیه انتخاباتی خود، نه تنها خواهان لغو حجاب و پوشش اجباری و سنگسار شده است، بلکه از ایجاد وزارت زنان، که قرار است به تبعیض علیه زن رسیدگی کند، صحبت می کند. در شرایطی که هر نوع اعتراضی با سرکوب خشن و زندان و شکنجه مواجه می شود، ملی - مذهبی ها که از آزادی محدودی برخوردارند، می کوشند جنبش حقوق زن را کاملاً به زیر نفوذ و سلطه خود بکشند. اما این یک خواب و خیال بیش نیست. جنبش آزادی زن تسلیم این تمهیدات نخواهد شد. این جنبش آگاه است که تنها با مبارزه و استقامت خود موفق شده است ملی - مذهبی ها را به طرح این مطالبات سوق دهد. اینها زیر فشار از پایین چنین مطالباتی را طرح کرده اند.

مساله اینجاست که حجاب بیرق رژیم اسلامی و جنبش اسلام سیاسی است. تنها با به زیر کشیدن این رژیم است که حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی و کلیه تبعیضات جنسی را میتوان از جامعه پاک کرد. تلاش ملی - مذهبی ها اما یک واقعیت را نشان می دهد: توازن قوا به نفع جنبش آزادی زن تغییر کرده است. باید فشار خود را بر رژیم اسلامی برای لغو حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی و آزادی و برابری زنان افزایش دهیم. \*



## لغو حجاب اجباری و ملی - مذهبی ها

### آزادیخواهی یا تسلیم به جنبش حقوق زن؟

آذر ماجدی

در سی امین سالگرد به قدرت رسیدن رژیم اسلامی، ملی - مذهبی ها ار لغو حجاب اجباری و سنگسار در بیانیه انتخاباتی شان سخن می گویند. باید پرسید که "آفتاب از کجا در آمده است؟" چه شده که پس از سی سال خشونت وحشیانه علیه زنان بخاطر حجاب و نحوه لباس پوشیدن، این جریان به صرافت طرح این خواست افتاده است؟ آیا اینها آزادیخواه شده اند؟ احترام شان به حقوق زن بیشتر شده است؟ هیچ کدام. اینها نه آزادیخواه تر شده اند و نه یکباره خواب نما! فشار جنبش حقوق زنان آنچنان وسیع و گسترده شده است که ملی - مذهبی ها را تحت فشار قرار داده است.

جنبش مبارزه برای حقوق زنان در ایران بسیار وسیع و توده ای است. هر چند روز یکبار تعدادی از فعالین حقوق زن بازداشت و زندانی می شوند. اما این سرکوب و خفقان جنبش زنان را به سکوت نمی کشاند. جنبش اعتراضی ادامه دار است. بعلاوه زنان عملاً حجاب اسلامی را به سخره گرفته اند. به شیوه حجاب سر کردن زنان در ایران نگاهی بیاندازید، در بسیار موارد شباهتی به حجاب اسلامی ندارد. نسل جوان حجاب اجباری را با ابتکارات مختلف به پدیده دیگری بدل کرده اند. رژیم اسلامی نیز از پس

#### مصاحبه با هایدی توکلی

صفحه ۲

#### مصاحبه با آراز م. فنی

صفحه ۴

#### یونیفرم عفاف و احساس فلاکت رژیم اسلامی

صفحه ۷

### کنفرانس بین المللی سازمان آزادی زن به

مناسبت ۸ مارس ۲۰۰۹

### چرا سکولاریسم اساسی است؟

سازمان آزادی زن روز شنبه ۷ مارس یک کنفرانس یک روزه با تم "نقش مخرب مذهب در زندگی و بر حقوق زنان؛ چرا سکولاریسم اساسی است؟" در شهر گوتنبرگ سوند، سازمان میدهد. در این کنفرانس فعالین و محققین حقوق زن از خاورمیانه و اروپا گرد می آیند تا تاثیر رشد جنبش های مذهبی در دو دهه اخیر بر زندگی زنان را مورد بررسی قرار دهند. مذهب کاتولیک، کلیسای ارتدوکس، مذهب یهود، اسلام و جنبش اسلام سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد.

اطلاعه سازمان آزادی زن را در صفحه ۸ بخوانید.

ستم بر زن موقوف!

## سکولاریسم

مقوله سکولاریسم یا لائیسیتیه به یکی از بحث برانگیزترین مسائل در میان جنبش‌های اجتماعی و نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی بدل شده است. سی سال حکومت خشن مذهبی این خواست را به یکی از مهمترین خواست‌های جامعه بدل کرده است. از نظر سازمان آزادی زن، سکولاریسم یک شرط لازم آزادی و برابری زنان است. عروج و قدرت‌گیری جنبش‌های مذهبی در جهان در

دو سه دهه اخیر، سکولاریسم را در سطح جهان در مرکز مباحث اجتماعی - سیاسی قرار داده است. نشریه آزادی زن سوالاتی در این رابطه تهیه کرده که به تعدادی از فعالین حقوق زن، و به سازمان‌های اپوزیسیون ارسال داشته است. در هر شماره یک یا دو مصاحبه ای را که بدست مان رسیده است، منتشر می‌کنیم. از فعالینی که علاقمندند در این بحث شرکت کنند دعوت می‌کنیم که با ما تماس بگیرند.

### مصاحبه با هایدی توکلی

**هایدی توکلی، عضو حزب مشروطه ایران، دو دوره عضو منتخب شورای مرکزی حزب و همچنین سرپرستی کمیته بانوان و کمیته روابط خارجی حزب و مقیم انگلستان.**

**پرسش:** مدتی است که بحث سکولاریسم در میان جنبش‌های مختلف در خارج از ایران و در میان روشنفکران داخل بالا گرفته است. عده ای تصمیم گرفته اند دین را از دست دولت در بیاورند و به عرصه خصوصی ببرند و عده ای دیگر می‌خواهند دولت را از چنگال دین بیرون بیاورند. تعریف شما از سکولاریسم چیست؟

**پاسخ:** سکولاریسم، به معنای جدائی دین از حکومت، یکی از بنیادی‌ترین اصول حزب مشروطه ایران بوده که از آغاز تولد حزب و حتی پیش از آن به عنوان لازمه و اساس راهکار ما برای گذر از لجنزار جمهوری اسلامی و پایه‌گذاری سیاستی دمکرات و لیبرال در چهارچوب اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های آن برای فردای ایران در منشور حزب نهادینه شده (رجوع به منشور حزب مشروطه ایران، برنامه سیاسی و قطعنامه مربوط، پیوست منشور) و دست کم برای ما این موضوع تازگی ندارد. اما اینکه عده ای تصمیم دارند دین را از دست دولت در بیاورند و یا بالعکس،

باید دید هدفشان اینست که به نوعی همین حکومت را اصلاح کنند؟ که طبیعتاً دیگر این موضوع بر همگان آشکار شده است که چنین چیزی در چنین دستگاه بی عدالت، با طرز تفکرهای فئاتیک و وحشیانه چنین دولتمردانی امکان پذیر نیست و مردم هم دیگر به هیچ وجه فریب دروغ‌های بیشمار آنان را نمی‌خورند. اینک دیگر زمان وصله پینه زدن نیست. اگر نیاز به کسب تجربه و آموختن از تاریخ و اشتباهات بوده، که سی سال میبایست کافی باشد. مردم ایران شایسته چنین واپسماندگی نیستند و ما برای باز یافتن هویت ملی و فرهنگی مان و توسعه و پیشرفت جامعه چه به لحاظ سیاسی و چه فرهنگی میبایست در درجه اول ایران را از زنجیر این جنایتکاران رها ساخته و سپس سکولاریسم را زیر بنای حکومت منتخب بعدی سازیم، که بدون آن پیشبرد اهداف دمکراتیک و آزادمنش عملاً امکان ناپذیر است.

در یک جامعه سکولار ادیان هیچگونه نقشی در سیاست، قانونگذاری و دولت ندارند. طبیعی است که در چنین جامعه ای که موانع دست و پاگیر و زنگ زده بی رنگ هستند شرایط گشایش راه به سوی توسعه، پیشرفت، برابری، حقوق فردی، اجتماعی، مدنی و غیره آسانتر فراهم میگردد. به عقیده من سکولاریسم کلید پیشرفت هاست.

**پرسش:** تفاوت لائیسیتیه و

### سکولاریسم را در چند کلمه توضیح دهید؟

**پاسخ:** لائیسیتیه تعبیر سختگیرانه تر سکولاریسم است و به همین دلیل نقش دولت در آن برجسته می‌شود. در یک نظام لائیک دولت می‌تواند مثلاً در پوشش زنان مداخله کند - نمونه اش ممنوعیت روسری در مدارس ترکیه و فرانسه. نظام سکولار لیبرال تر است. افراد زیر هیچ فشاری نیستند و دولت مداخله ای در امور شخصی تا آنجائی که به حقوق بشر تجاوزی نشود نمی‌کند.

**پرسش:** آیا از نظر شما حکومت پهلوی در عرصه اقتصاد و سیاست یک حکومت سکولار بود؟ اگر بود پس وجود آخوند درباری (کارکرد دین در سیاست) را چگونه می‌شود توجیه کرد؟

**پاسخ:** در عرصه اقتصادی تا اندازه ای که من میدانم روحانیون هیچ نقش اساسی نداشتند ولی در مورد سیاست برای درک بهتر باید موضوع را در دو بخش شکافت. آنچه که پادشاهان پهلوی برای ایران میخواستند و دیگری، آنچه که شرایط زمانه اقتضا میکرد. رضا شاه کبیر زمانی سرپرستی کشور را به عهده گرفت که ایران در عموم زمینه ها در عمیقترین گنداب تا انتها فرو رفته بود و نفوذ آخوندها سرتاسر اجتماع را در بر گرفته بود. او چنان با آخوند و حجاب و مذهب خرافاتی و عقب مانده آن دوره مبارزه کرد

و چنان تحولی را در جامعه ایجاد کرد که هیچ شیردلی قادر به انجامش نبود. من به عنوان یک زن ایرانی خود را به او مدیون میدانم چرا که رضا شاه راه آموزش و شرکت در امور عمومی را بر زنان ایران گشود. محمد رضا شاه نیز از فشار روحانیون در امان نبود و برای کوتاه کردن دستهای دراز آنها یا میبایست راه خشونت و خونریزی را انتخاب میکرد و یا کنار آمدن با آنان را. در سی و هفت ساله پادشاهی او هر دو راه تجربه شد و تا آنجا که جامعه اجازه می‌داد به زنان و همچنین اقلیت‌های مذهبی میدان دادند. نباید فراموش کرد که در قانون اساسی ۱۹۰۷ شیعه مذهب رسمی ایران تعیین شده بود. با وجود این در پایان دوره پادشاهی، با همه آخوندهای درباری، زنان ما از نظر حقوق سیاسی تفاوتی با مردان نداشتند و اقلیت‌های مذهبی بهترین دوران خود را می‌گذراندند. میشود گفت که بله به نظر من حکومت پادشاهان پهلوی سکولار بود و بیش از پیش به سوی سکولاریسم می‌رفت اما فشار و مداخله مذهبیون اسلامی دائماً باعث تغییر روش و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی میشد.

**پرسش:** اگر بپذیریم که فرهنگ امری ایستا و ثابت نیست! آیا می‌شود متوقع بود که فرهنگ یک جامعه بعد از تغییر یک حکومت در زمانی کوتاه دچار تغییری بنیادی شود؟

**زنده باد برابری! زنده باد آزادی!**

## مصاحبه با هایدو توکلی

**پاسخ:** این زمان، زمان سرعت است و هر چقدر که میگذرد راه هرگونه تغییری کوتاه تر میشود. بدون شک پس از تغییر یک حکومت یا رژیم سیاسی، هر جامعه ای یک سری تحولاتی را تجربه میکند، از جمله فرهنگی که البته من نام آن را تغییر نمی گذارم چون فرهنگ دیگری جایگزین آن فرهنگ نمیشود بلکه لباس عوض میشود و رنگ و روی تازه ای میگیرد. فرهنگ ما بیمار شده است و ما باید تلاش کنیم آنرا درمان کنیم. اما به باور من برای چیره شدن به آن تحول بنیادی که بر پایه های استوار و صحیح قرار بگیرد و با هر بادی نلغزد زمان و یا سرعتش انقدر مهم نیست که اصول و محتوا و نتیجه مهم است.

بطور مثال در مورد زمان کوتاهش، دیدیم که پادشاهان پهلوی در زمانی کوتاهتر از ۵۰ سال، با همه کمبودها چه توسعه ای به فرهنگ جامعه بخشیدند و چه روشنفکران و فرهیختگانی را پروراندند. در اینجا سرعت به زیان تمام شد زیرا که مردم ناگهان دچار یک سردرگمی فرهنگی شدند. در مورد زمان طولانی اش، نفوذ اسلامیان عرب زده، پس از یورش اعراب را می بینیم که در طول سده ها چنان فرهنگ و افسانده و خرافات زده را با خون ایرانیان آمیختند که اینک مردمی که خود آفریننده حقوق بشر بودند باید برای گوشه ای از حقوق فردی خود گدایی کنند. اما این هم پایدار نمی ماند زیرا خرد سرانجام سرفراز خواهد شد.

**پرسش:** در جامعه آلمان و فرانسه ما شاهد سکولار شدن بخشی از مسیحیان و یا یهودیانی بودیم که در یک

پروسه تاریخی و اجتماعی رفته رفته به یک فرهنگ سیاسی تبدیل شد! از نظر شما تصور یک مسلمان سکولار و لائیک در جامعه ایران امکان پذیر است؟

**پاسخ:** بله، من معتقدم جمهوری اسلامی هم یک پروسه تاریخی بود که شاید می باید تجربه میشد. اکثریت مردم ایران چنان به دست مداخلات مذهبی زخمی شده اند که درس های لازم را گرفته اند. سکولاریسم ربطی به عقاید مذهبی ندارد و مسلمانان هم می توانند سکولار بشوند.

تغییر قوانین بلکه با برنامه ریزی صحیح آموزشی سرتاسری برای شکافتن، شناختن و ترمیم کردن مشکلات فرهنگی و اجتماعی افراد، در سطوح خانواده و اجتماع. مشکلات مربوط به تعصبات، جنایات ناموسی و اصلاً تصویری که مردان ما از غیرت دارند، رسمها و سنتهایی که برارنده انسان امروزی نیست نیاز به کار پیگیر و عمقی در میان خود زنان هم دارد. اما جای خرسندی است که زنه‌های زن ستیز و افراطی ایران مانند نمونه ای که نام برده اید، هم اکنون هم در اقلیت



هستند و روز بروز کمتر میشوند.

**پرسش:** خشونت سازمان یافته دولتی علیه زن را با تغییر حکومت میشود امکان پذیر کرد! اما برای حذف انواع خشونتها در عرصه خصوصی بعد از تغییر حکومت هیچ تضمینی وجود دارد؟

**پاسخ:** گمان نمی کنم هیچ حکومتی بتواند در هیچ زمانی حذف خشونت‌های خصوصی و اجتماعی را تضمین کند اما در یک نظام قانونی میشود خشونتها را به حد اقل رساند.

**پرسش:** آیا شکستن آپارتاید جنسی موجود را ضرورتی در جهت دستیابی به سکولاریسم

ارزیابی می کنید؟ نقش زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در ایران و خارج تا چه حد در پیشبرد این امر مهم است؟

**پاسخ:** در بخش بزرگی از تاریخ کشور ما قهرمانان واقعی زنان بوده اند و نسل خود ما هم شاهد یکی از بزرگترین مبارزه های زنان درونمرز در برابر زور و واپسماندگی بوده است. اگر چنین نمی بود زنان ما تا بحال با شرایطی که این رژیم برای مردم فراهم کرده و توقعاتی که دارد می بایست تسلیم روبنده و نقاب هم می شدند. همین کمپین یک میلیون امضا نوید دهنده شهادت زنان ایرانی ست. در برونمرز هم صدای هم میهنان را به گوش جهانیان رساندن کار ساده ای نبوده و همین نوع ارتباطات و گفتگو ها بدون شک چرخهای تحرک و آگاهی را به گردش در می آورند و زمینه رسیدن به هدفهای ما را که یکی از آنها برقراری سکولاریسم در کشورمان است فراهم می کنند. با پایه گذاری حکومتی سکولار، آزاد و درستکار که به حقوق زنان و کودکان و همه شهروندان احترام بگذارد به مرور زمان انواع تبعیض ها کمزنگتر خواهند شد. شاید دهها سال طول بکشد اما خواهد شد.

**پرسش:** آیا دستیابی به سکولاریسم و لائیسیته برای برقراری آزادی و برابری زن و مرد را کافی ارزیابی میکنید؟

**پاسخ:** من فکر میکنم جدایی دین از حکومت، اگرچه کلیدی اما تنها یکی از اصول برقراری آزادی و برابری زن و مرد است. به همان اهمیت اقدامات فرهنگی و آموزشی است که البته در یک فضای آزاد موثرتر واقع میشود. \*

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!



## مصاحبه با آراز م. فنی

آراز م. فنی، متولد در شهرستان مرند، لیسانس از دانشکده ی علوم انسانی دانشگاه تبریز، تدریس در مدارس تهران بطور پراکنده، فرار از ایران در سال ۱۹۸۶ و از همین سال مقیم کشور سوئد، تحصیل و کار در دانشکده ی صلح و توسعه ی - گوتنبرگ، فوق لیسانس در علوم تربیتی و تحصیلات پایه ای دانشگاهی در شناخت شناسی علمی، علاقمند و جستجوگر در مسایل اقتصاد سیاسی و روابط بین المللی، کنشگر در مسایل حقوق بشری و دموکراتیک.

**پرسش:** مدتی است که بحث سکولاریسم در میان جنبشهای مختلف در خارج از ایران و در میان روشنفکران داخل بالا گرفته است. عده ای تصمیم گرفته اند دین را از دست دولت در بیاورند و به عرصه خصوصی ببرند و عده ای دیگر می خواهند دولت را از چنگال دین بیرون بیاورند. تعریف شما از سکولاریسم چیست؟

**پاسخ:** مبارزه ی نیروهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای سیادت یک تفکر و ایدئولوژی خاص متعلق به خود داشتن دست بالا در تفسیر واقعیتهای اجتماعی، اداره ی جامعه و حکومت، تدوین قوانین جدید بازی در سیاست و همچنین قانونی کردن گفتمان مدرن حدودن به پانصد سال پیش بر می گردد. با بالا گرفتن ایدئولوژی جدید یعنی علم و نگرش مدرن و علمی به جامعه، گروه های اجتماعی مبارزات این گروه ها و چگونگی انعکاس نظریات مشخص در علم بعنوان مفهوم ساختاری همیشه در دست

قدرتهای مسلط بوده است. گرامشی از آن با عنوان هژمونی سیاسی یک تفکرو گفتمان در بین متحدین و تحمیل آن به نیروهای رقیب نام می برد.

پدیده ی سکولاریسم به معنی جدید آن بر می گردد به انقلاب فرانسه، استقلال ایالات متحده و انقلاب صنعتی در انگلیس. بدیگر بیان رهبری مثلث تفکر ایده الیسم غربی، علم، محور قرار گرفتن فرد و تفکر فردی (فردیت) در ساختار فکری جامعه ی غربی پایه و ساختار نگرش موجود در باره ی سکولاریسم را توضیح می دهد. در غرب این امر بعد از زلزله های اولیه با مسالمت پیش رفت یعنی فرهنگ و نگرش غیرمذهبی و ناسیونالیستی با موسسات جدید سیاسی (احزاب) و دست آوردهای تکنیکی و ارتباطی در پروسه ی تکاملی نسبتن موزون توانست هژمونی چنین تفکری را در غرب و بدنبال آن بدیگر نقاط دنیا تحمیل نماید. این پروسه در غرب نهادی شد ولی هنوز در مناطق با عنوان "جهان سوم" یا کشورهای عقب نگه داده شد مبارزه ی برای رسیدن به مدرنیته ادامه دارد.

پاره ای از متفکرین معتقد هستند که با توجه به اینکه در جوامعی مثل ایران رشد اقتصادی موزون سرمایه داری، رشد موسسات جدید سیاسی و تکامل تکنیکی خودجوش و محلی نبوده و به بیان دیگر ما با یک رشد ناموزن روبرو هستیم اطلاق و صادر کردن این مفاهیم و تفکر به ایران در نهایت با شکست روبرو خواهد شد. نتیجه چنین تاویل از مسایل این است که سیاست، تفکر سیاسی و رشد موسسات اجتماعی بایست تطبیقی باشد. دیگرانی هستند

که خلاف این نظر را دارند. به نظر من هر دوجریان بخش هائی از واقعیت را دیده و بیان میکنند و نه همه ی آنها. امکان ایجاد یکی جامعه ی انسانی با چهار چوب های دموکراتیک و با رعایت موازین حقوق بشری وجود دارد. اگر چه با من با عمومی بودن و جهانی بودن یافته های علمی و اجتماعی موافق نیستم و آنها تابعی از رشد شرایط اجتماعی، تاریخی و منطقه ای می دانم. امر سکولار شدن منوط است با اینکه آیا سه موسسه ی دولت، بازار و جامعه ی مدنی می توانند در یک رشد منطقی در تقسیم قدرت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به توافق های عملی برسند.

بنظر میرسد که بین تفکر سکولار - فرد سکولار از یک طرف - و سامان سکولاریستی می توان فرق هائی گذاشت. یک فرد سکولار به آزادی مذهب و ایدئولوژی احترام می گذارد یعنی طرفدار جامعه ی چند فرهنگی و به گونه ای نسبی گرائی فرهنگی است؛ در صورتیکه به تفسیر من از سکولاریسم "سکولاریستی" این مفهوم ساختاری توضیح سامانی سیاسی است که مثلن مدرنیست ها و آتاتورکیست های افراطی ترکیه از سکولاریسم می دهند. همانطوریکه می دانید این جریان می خواهد از ورود دختران با حجاب به دانشگاهها و مرکز اداری دولتی ممانعت شود. همین مورد در فرانسه سکولاریستی پذیرفته شده و قانون است. سکولاریست ها از نظر شناخت شناسی اجتماعی طرفدار عینی بودن، قانونی بودن خیلی از احکام و حوزه های عمل اجتماعی هستند به بیان ساده طرفدار پوزیتویسم علمی می باشند. در صورتیکه فرد سکولار کثرت گرای

فرهنگی است. این همان نقطه ی تمایزی است که طرفداران تئوری های پسا ... با سکولاریست ها دارند.

**پرسش:** تفاوت لائیسیته و سکولاریسم را در چند کلمه توضیح دهید؟

**پاسخ:** سکولاریسم را باید بعنوان پروسه ی اجتماعی در نظر گرفت که به استقلال و تصمیم گیری فرد/افراد در عرصه های گوناگون سیاسی/اجتماعی انجامید بدون اینکه برای این تصمیم نیازی به اجازه گرفتن از خدا، مجتهد/کشیش و یا مراجع دینی دیگر باشد. انسان و فرد بعنوان المنت "ساورن" در ماشین اجتماعی عمل کرد. تکامل سکولاریسم با پروسه ی رشد و آگاهی یک دانش درونی و یا اندریش از جهان و نقش سازنده و تفسیرگر انسان در جهان همراه است. مبنای درک جهان پیرامون، خود انسان است و نه چیز دیگر. در این مفهوم فرد و یا افراد می توانند به آئین های مذهبی اعتقاد داشته باشد و به گونه ای بردباری سیاسی و مذهبی و آزادی عقاید در جامعه و بر طبق قانون نتیجه ی آن بود.

لائیسیته می تواند آزادی دولت و سیاست از دین تعریف شود و قانونی کردن این خواست. بدیگر بیان ایجاد پروسه ی سکولار کردن جامعه نیاز به پیش شرطهای بسیار سنگینی دارد که اجرای آن و یا پیاده کردن آن بخشن از عهده ی گروه های فعال اجتماعی خارج است. در صورتیکه مسئله در مورد لائیسیته به این گونه نیست. علاقمندان به بررسی عمیق این دو مفاهیم به نوشته های آقای شیدان وثیق مراجعه کنند.

بنظر آقای وثیق " لائیسیته

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

## مصاحبه با آراز م. فنی

فرآیندی سیاسی اجتماعی است که مناسبات میان دولت و دین (یا میان نهاد دولت و نهاد دین) را بر اساس سه اصل جدائی و استقلال دولت و دین، آزادی وجدان و عدم تبعیض دینی تعیین و تبیین می کند" (نگ. به نوشته ی شیدان وثیق: مبانی فلسفی - سیاسی "مسئله ی لائیک" ...)

لازم به یادآوری میدانم که هر دوی این مفاهیم (موضعی، ساختاری) توضیح دهنده ی مناسبات اجتماعی هستند که ریشه در کشورهای غربی دارند و پیاده شدن و یا کردن آن در جوامع غیر غربی همان معضلی را در بر دارد که توسعه و رشد اقتصادی مدرن غربی در سایر کشورهای غیر غربی به همراه دارد.

**پرسش:** آیا از نظر شما حکومت پهلوی در عرصه اقتصاد و سیاست یک حکومت سکولار بود؟ اگر بود پس وجود آخوند درباری (کارکرد دین در سیاست) را چگونه می شود توجیه کرد؟

**پاسخ:** روشنفکران و الیت سیاسی اقتصادی که برای حکومت شاه و نظام سیاسی وقت کار می کردند آدم های احمقی نبودند. تعداد زیادی از آنها در دانشگاه های غربی و حتی شرقی درس خوانده بودند و به دیگر بیان درس خود را بلد بودند. ولی سؤال موردی این است که آیا با توجه به رسمی بودن دین اسلام و روابط دربار با نمایندگان جامعه ی متشکل اسلامی نمی توانستند بعنوان وحدت این دو تفکر و یا دو حوزه ی اجتماعی/فرهنگی در عرصه ی سیاسی عمل کنند؟ این سئوالی است که احتیاج به

شناخت شناسی و بررسی جامعه ی ایران در دوره ی پهلوی را نیاز دارد و از عهده ی این مطلب کوتاه بر نمی آید. نظام سیاسی شاه در سطح بین الملل کمپرادور (وابسته) بود به سیستم غربی. این مفهوم از منظر تحلیل طرفدار تئوری های "مرکز و پیرامون" بدین معنی بود که هدایت ایران و نظام سیاسی ایران از مراکز قدرت بین المللی صورت می گرفت. ما در سیاست و اقتصاد دنیا یک متروپول داشتیم/داریم و یک حاشیه. سیاست داخلی هر کشوری می بایست بر مبنای حفظ منافع الیت مرکزی استوار می شد و آنچه که برای حفظ این نظام لازم بود بایست انجام میشد. بنظر من این تئوری و یا حتی تئوری های مارکسستی نمی توانند به تنهایی توضیح دهنده ی سامان حقوقی، اقتصاد و سیاسی دوره ی شاه باشند. متأسفانه من نظر کارشناسی در باره ی ماهیت هویت نظام شاه و اینکه چگونه نظامی بود نمی توانم نظر کارشناسی بدهم. اما بنا به تعریف بالا از سکولاریسم نظام سیاسی ایران در زمان شاه نمی توانست سکولار باشد.

**پرسش:** اگر بپذیریم که فرهنگ امری ایستا و ثابت نیست! آیا می شود متوقع بود که فرهنگ یک جامعه بعد از تغییر یک حکومت در زمانی کوتاه دچار تغییری بنیادی شود؟

**پاسخ:** فرهنگ پدیده ی ایستائی نیست، نبوده نخواهد بود. در تعریف کوتاه فرهنگ می شود گفت که ساخته های غیر مادی جامعه ی انسانی در مقوله ی کار فرهنگی می گنجد و در تغییر تحولات سیاسی اجتماعی اولین موردی که رسمی شدن یک تفکر به حساب می آید و به تصویب مجالس سیاسی مسلط می رسد قوانین سیاسی، مدنی

آن جامعه هستند و نه فرهنگ جامعه. اما فرهنگ و خصوصن تغییر در اخلاق اجتماعی و عمل اجتماعی، بدیگر بیان اندرباش شدن سیاست های جدید نیاز در دگرگونی های اساسی در نظام فکری افراد و جامعه توأم صورت می گیرد. مادیت می بایست ذهنی شود.

**پرسش:** در جامعه آلمان و فرانسه ما شاهد سکولار شدن بخشی از مسیحیان و یا یهودیانی بودیم که در یک پروسه تاریخی و اجتماعی رفته رفته به یک فرهنگ سیاسی تبدیل شد! از نظر شما تصور یک مسلمان سکولار و لائیک در جامعه ایران امکان پذیر است؟

**پاسخ:** اگر شرایط اجتماعی لازم فراهم شود یا باشد و افراد مشخص نیز خودشان بخواهند تغییر هویت افراد امکان پذیر است. اگر باورهای مذهبی و پذیرش مذهب، بعنوان بخشی از هویت انسان بحساب آید طبق نظریه ی توضیحی و علمی پسامدرن ها، پسا ساختارگرایان و پسا مارکسسیت ها امکان تغییر هویت وجود دارد. هویت های انسانی در جوامع سنتی پایدارتر از جوامع مدرن هستند. در یک جامعه ی سنتی افراد مسلمان، مسیحی، یهودی و ... بدنیا آمده و مسلمان، مسیحی و یهودی ... می میرند ولی در جوامع مدرن و پسا مدرن، افراد هویت های گوناگونی دارند. برای مثال یک زن و یا مرد می تواند هویت هائی چون: دانشجو، کارگر، مسیحی، ترک، لسیبیک/همو سوسیالیست و ... همزمان و باهم داشته باشد. البته در این و یا آن شرایط مشخص است که یکی از این هویت ها عمده می شود. اساسن

هویت انسانی یک پدیده ی اجتماعی، تاریخی و انسانی است و امر ذاتی و جوهری نیست.

پرسش: با توجه به نقش مذهب در ۳۰ سال گذشته در تمامی نهادهای دولتی و غیر دولتی جهت باز تولید فرهنگ اسلامی قرون وسطی در سراسر جامعه ایران، می شود با تغییر قوانین موجود در جامعه تعصبات مردسالارانه و ضد زن را در میان خود زنان از بین برود؟ مرتجعین زن ستیزی چون عشرت شایق که در نقش نماینده مجلس در باز تولید فرهنگ اسلامی نقش دارند و مردم جمله معروف او را "اگر ده زن خیابانی اعدام شوند، دیگر زن خیابانی نخواهیم داشت" هرگز فراموش نخواهند کرد می توان تغییر ایجاد شود؟

پاسخ: در پایان سال میلادی ۲۰۰۸ و آغاز سال جدید یکی از شبکه های تلویزیونی آمریکا در مروری به علل ایجاد بحران مالی و شناخت/شناسائی مسئولین شکست سیاست اقتصادی آمریکا به معرفی چهره ها و نامهایی که در این شکست و بحران بزرگ مالی دخالت داشتند پرداخت. جزو اولین کسانی که در این بحران نقش جدی داشت و معرفی نیز شد آلن گرین اسپن بود و در ادامه مجری به معرفی افراد دیگر پرداخت. در نهایت این معرفی ها مجری برنامه با اشاره ی انگشت خود به سوی تماشاگران ناشناس آمریکائی؛ در مقابل سؤال این که بعد از این افراد چه کس و یا کسانی مسئول شکست سیاست اقتصادی و بحران مالی جدید آمریکا هستند گفت: شما مردم. شمائی که چنین سیاست هائی را می پذیرید و شمائی که در زندگی روزمره ی خودتان بدون توجه به پی آمد های

رهائی زن رهائی جامعه است!

## مصاحبه با آراز م. فنی

اعمال و رفتار روزانه و مصرف بی رویه ی خود به بحرانی دامن زده و می زیند که عواقب کوتاه مدت آن را میبینیم و عواقب دراز مدت آن بعدن معلوم خواهد شد.

نتیجه اینکه همه چیز را نمی شود کنترل کرد و یا عوض کرد ولی می توان روی تغییر سیاست توافق داشت و برای پیاده شدن آن تلاش کرد.

**پرسش:** خشونت سازمان یافته دولتی علیه زن را با تغییر حکومت میشود امکان پذیر کرد! اما برای حذف انواع خشونتها در عرصه خصوصی بعد از تغییر حکومت هیچ تضمینی وجود دارد؟

**پاسخ:** من محتوای پاسخ به این سؤال را در توضیحات های قبلی خود بررسی کرده ام، ولی برای خالی نبودن عریضه باید بگویم که ساختار های اجتماعی و عقیدتی امری اجتماعی و انسانی هستند. با تصویب قوانین می توان در حوزه ی عمومی اختلافات و ستیزهای عقیدتی، طبقاتی، کاری و حتی

خانوادگی را در دادگاههای مدنی و ... بررسی و حل کرد ولی ریشه کن کردن این اختلافات امری است محال. این مسئله در حوزه ی خصوصی مشکلتر است. تنها در جامعه ی پلیسی و نظامی دیکتاتوری است که دولت و پلیس نقش کنترل کننده جامعه را داشته و امور سیاسی، مذهبی و یا اجتماعی دیکته می شود.

**پرسش:** آیا شکستن آپارتاید جنسی موجود را ضرورتی در جهت دستیابی به سکولاریسم ارزیابی می کنید؟ نقش زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در ایران و خارج تا چه حد در پیشبرد این امر مهم است؟

**پاسخ:** جواب برای این سؤال هم مثبت است و هم منفی. بنظر من آپارتاید جنسی موجود بایست شکسته شود ولی آپارتاید و یا جدائی جنسی جدیدی که در آن دست بالا را زن ها داشته باشند ایجاد شود. اگر کاسه ی داغ تر از آش جلوه نکنم، من به گونه ای به نوشته ها و تفسیر های فمینیست های رادیکال که معتقد هستند رهائی

زنان و آزادی عمومی جامعه ی انسانی در گرو ایجاد جامعه ای است که زنان برای خود زندگی کنند و دست مردان را از زندگی جنسی خود جدا کنند هستم.

اگرچه این راهکار افراطی است و و طرح آن بیشتر جنبه ی آرمانگرایانه دارد تا عملی، ولی عمق و وسعت قدرت مردان را نشان می دهد. همانطوریکه می دانید گروه کوچکی از مردان سفید پوست که در ارتباط مستقیم با طبقات حکمه ی دوره ی رنسانس، و روشنگری بودند نقش جدی در ساختن و تدوین نگرشهای سیاسی و ایدئولوژیک موجود یعنی، لیبرالیسم، رئالیسم سیاسی و مارکسیسم داشتند. هر کدام از این مفاهیم ساختاری، به گونه ای تغییر شکل داده و بروز شده اند و هرکدام از اینها نیز به این و یا آن شکل در سیاست گذاری کشورهای غربی تاثیر داشتند ولی هنوز که هنوز است ساختار قدرت جوامع عوض نشده و یا دگرگونی بسیار کند است.

آیالات متحده ی آمریکا، جامعه

ی سکولار بحساب می آید. در قانون اساسی این کشور دین و دولت و نقش آنها از هم دیگر جدا شده اند ولی همانطوریکه در دوره ی بوش شاهد بودیم و حتی در تحلیف اباما دیدیم مذهب نقش تعیین کننده ای در سیاست این کشور دارد و مهمتر از آن اینکه در بازار سهام، شرکت ها، حکومت و سیاست و دانشگاه ها دست بالا را مردان اقشار متوسط به بالا دارند. اکثر کارهای اداری پائین، امور خیریه، کار در انجمن ها، در مدارس و بیمارستانها توسط زنان انجام می شود.

**پرسش:** آیا دستیابی به سکولاریسم و لائیسیتته برای برقراری آزادی و برابری زن و مرد را کافی ارزیابی میکنید؟

**پاسخ:** نه. تا زمانیکه مسئله ی قدرت اقتصادی و سیاسی؛ تدوین و تفسیر نرم ها و قوانین اجتماعی در دست عده ی معدوی است نمی توان از برابری و یا آزادی زن و مرد و یا بطور عموم افراد صحبت کرد.

با سپاس

سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برابر باشند. بشریت متمدن نباید اجازه دهد که در هیچ گوشه ای از جهان چنین رفتار شنیعی با انسانها شود.

از اینرو ما خواهان :

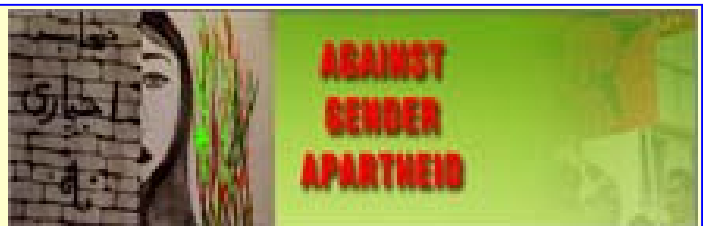
۱. محکومیت سیستم آپارتاید جنسی توسط کلیه مجامع بین المللی و حقوق بشری هستیم.

۲. محکومیت رژیم اسلامی ایران بمتابه سمبل سیستم آپارتاید جنسی در جهان هستیم

۳. اخراج دولتهای مبتنی بر آپارتاید جنسی از کلیه مجامع بین المللی هستیم.

به سایت ما با نام و آدرس زیر مراجعه کنید و برای ما نامه بنویسید:

[www.againstgenderapartheid.com/](http://www.againstgenderapartheid.com/)



## علیه آپارتاید جنسی

آپارتاید جنسی، تقسیم و جدایی انسانها بر مبنای جنسیت، یکی از اشکال زشت و کریه زن ستیزی و تبعیض علیه انسانها در برخی از جوامع کنونی و جمهوری اسلامی بطور مشخص است. آپارتاید جنسی سیستمی است که دولتها و جریانات اسلام سیاسی به زور بر مردم تحمیل کرده اند. آپارتاید جنسی سیاستی شنیع و همطراز آپارتاید نژادی است و همچون آپارتاید نژادی باید از جامعه بشری طرد شود. زن و مرد باید در تمامی شئون زندگی اقتصادی،

نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!



## خانه مدوسا به محل جدید انتقال یافت



تجربیات مشترک، شکستن تابوها و عبور از مرزهای ممنوعه، عاملی برای به واقعیت بدل کردن کنترل زندگی خود است! با فراهم آوردن کمک و ابزار حمایتی می توان اعمال روشهای خشونت آمیز را از زندگی خود دور کرد و کنار گذاشت!

بعد از ظهر پنجشنبه ها از ساعت ۱۷ تا ۲۰ برای ملاقات با شما در لوکال ویکتوریا هوست حضور خواهیم داشت تا به بحث و تبادل نظر بپردازیم. برای اطلاع بیشتر از دیگر فعالیتهای "خانه مدوسا" با ما در لوکال جدید خانه مدوسا ملاقات کنید!

|  |   |
|--|---|
| <p>مدیر خانه مدوسا شهلا نوری<br/>تلفن تماس: 0737262622<br/>Plusgirot: 15015073-8</p> | <p>آدرس جدید<br/>Viktoriahuset<br/>Linnégatan 21 B<br/>Gothenburg</p> |
|--|---|

### سخنی با خوانندگان نشریه سازمان آزادی زن

شما می توانید با مراجعه به سایت سازمان آزادی زن، از تمامی فعالیتهای این سازمان آگاهی پیدا کنید. لینکهای سخنرانیها و جلسات پالتاکی ما در این سایت قابل دسترسی است.

در ضمن می توانید با مراجعه به لینک نشریه آزادی زن، به نشریه های گذشته دسترسی پیدا کنید.

برای تماس با اعضای شورای مرکزی سازمان آزادی زن به لینک تماس با ما مراجعه کنید.

جهت ایجاد ظرف متحد کننده وسیعترین توده های زن و مرد در ایران به سازمان آزادی زن بپیوندید تا با هم علیه بی حقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

<http://www.azadizan.net/>

<http://www.womensliberation.net/english/>



در طی سی سال گذشته هنوز موفق به نهادینه کردن پوشش اسلامی نشده است. رژیم اسلامی با اعمال حجاب اجباری در جامعه تلاش میکند ارزشهای اخلاقی و قرون وسطایی را بر میلهونها انسان تحمیل و آنها را هدایت کند اما هر لحظه با مقاومت مردم روبرو میشود. رژیم اسلامی هرگز نتوانسته است مردم را با خود همراه کند. حکومت به سوئی می رود و مردم به سوی دیگر!

آخرین ترفند رژیم برپایی جشنواره عفاف و حجاب است که در خود دچار تناقض جدی است. در این جشنواره رئیس صدا و سیما به زبان بی زبانی عجز خود را به نمایش می گذارد و اعلام می کند، باید برای ایجاد مراودات فرزندان محببه خود فکری کنیم چون کسی حاضر نیست با دختران محببه ما ارتباط داشته باشد. \*

## یونیفرم عفاف و احساس فلاکت رژیم اسلامی

به دنبال پخش شایعات ابلاغیه آیین نامه ارشادی نوع پوشش دانشجویان بصورت یونیفرم متحدالشکل، در جهت استفاده هرچه بیشتر از ابزار آپارتاید جنسی در جامعه، صدای اعتراض دانشجویان در بسیاری از دانشگاه ها به گوش مردم جهان رسید.

رژیم اسلامی هر روز با ترفندی جدید به اعمال قدرت، به جنگ با خواست جوانانی می رود که سالها است با انتخاب نوعی دیگر از پوشش تلاش می کنند مخالفت خود را با دخالت رژیم در خصوصی ترین امر فردی انسان (آزادی انتخاب نوع پوشش)، ابراز کنند. این در حالی است که رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از تمامی ابزار موجود،

شما هم در پیشبرد کمپینهای سازمان آزادی زن سهیم باشید و پتیشنهای زیر را امضاء کنید!

کمپین برای آزادی فعالین حقوق زن

[http://www.petitiononline.com/mod\\_perl/signed.cgi?marvam20](http://www.petitiononline.com/mod_perl/signed.cgi?marvam20)

علیه لایحه ارتجاعی محروم کردن دختران دانشجویان از زندگی مستقل بپاییزیم!

<http://www.petitiononline.com/nsin2008/>



نقاشی از دلارا دارابی

## رهائی زن همین امروز!



## کنفرانس بین المللی بمناسبت ۸ مارس ۲۰۰۹ چرا سکولاریسم اساسی است؟

سازمان آزادی زن روز شنبه ۷ مارس یک کنفرانس یک روزه با تم "نقش مخرب مذهب در زندگی و بر حقوق زنان؛ چرا سکولاریسم اساسی است؟" در شهر گوتنبرگ سوئد، سازمان میدهد. در این کنفرانس فعالین و محققین حقوق زن از خاورمیانه و اروپا گرد می آیند تا تاثیر رشد جنبش های مذهبی در دو دهه اخیر بر زندگی زنان را مورد بررسی قرار دهند. مذهب کاتولیک، کلیسای ارتدوکس، مذهب یهود، اسلام و جنبش اسلام سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد.

### این کنفرانس توسط سازمان های حقوق زن و سکولاریست زیر مورد حمایت قرار گرفته است:

ابتکار فمینیستی اروپا برای یک اروپای آلترناتیو، زنان برای صلح - سوئد، شبکه مردان علیه جنایات ناموسی، مرکز برای تحقیق

### سخنرانانی که تاکنون شرکت شان تایید شده است:

|   |                           |
|---|---------------------------|
| هماهنگ کننده کمپین علیه دادگاه های شریعه  | هما ارجمند                |
| سکولاریست، مسئول بخش اروپای CFI   | هوگو استرلا               |
| عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا- فرانسه/الجزایر                    | سواد بابا آیسا            |
| حزب کمونیست رفرم، ایتالیا   | ایما باربوسا              |
| ژورنالیست و فعال حقوق زن و مبارزه علیه فحشاء- انگلستان                          | جولی بیندل                |
| فعال سکولاریست و مدافع حقوق زن- دانمارک   | مالینه بوسک               |
| نویسنده، مدافع حقوق زن، آرژانتین  | سوسن تامپیه ری            |
| مدیر انجمن برای آزادی علم، مذهب و فرهنگ، استاد دانشگاه اورشلیم، اسرائیل         | فرانسس رادی               |
| رئیس سازمان همبستگی زنان، فرانسه  | سابقه سامون               |
| فعال سکولاریست و مدافع حقوق زن- رومانی  | بث سیه سیلسکی             |
| معاون سازمان سکولار راسیونالیست، عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی- لهستان | نینا سانکاری              |
| فعال حقوق زن، افغانستان   | لیزا سروش                 |
| سازمان اندیشه آزاد، نویسنده و ژورنالیست سکولار، مدافع حقوق زن- فرانسه           | کارولین فورس              |
| مسئول سازمان میخک سفید  | پروین کابلی               |
| رئیس سازمان آزادی زن مصر  | آذر ماجدی                 |
| شبکه مردان علیه خشونت ناموسی- سوئد  | آزا کامل محمد عبدال میگید |
| رئیس کلوب فمینیست، گرجستان  | کریم نوری                 |
| مدیر پروژه در سازمان زنان عرب، اردن   | لیا نادارایا              |
| مدیر مرکز زنان آسودا، سلیمانیه، کردستان عراق                                    | لیلا نافع همارنه          |
| رئیس ابتکار فمینیستی اروپا- فرانسه  | خانم لطیف                 |
| عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا بلغارستان/سوئد                     | لیلیان هالس-فرنچ          |
| هماهنگ کننده کمپین بین المللی علیه خشونت ناموسی - سوئد                          | بورینا بوهاتسون           |
| محقق و فعال حقوق زن، سوریه  | ماریا هاگری               |
| گرداننده و مدراتور- سردبیر نشریه انگلیسی زبان سازمان آزادی زن                   | نوال یازجی                |
| فیلم ساز از فلسطین که برای نمایش یکی از فیلم هایش به کنفرانس میاید.             | مریم کوشا                 |
|   | بوتینا کانان خوری         |

از علاقمندان شرکت در کنفرانس خواهشمندیم که با ما تماس بگیرند. اطلاعات دقیقتر در آینده از طریق نشریه آزادی زن و وب سایت سازمان به اطلاع عموم خواهد رسید.

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)

[majedi.azar@gmail.com](mailto:majedi.azar@gmail.com)

[wmedusahuset@gmail.com](mailto:wmedusahuset@gmail.com)

آذر ماجدی +44(0)7886973423 و شهلا نوری +46(0)737262622

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.  
مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی: [azarmajedi@yahoo.com](mailto:azarmajedi@yahoo.com)  
هیئت تحریریه نشریه سازمان آزادی زن: [zan.azadi@yahoo.com](mailto:zan.azadi@yahoo.com)  
آدرس سایت: [www.azadizan.net](http://www.azadizan.net) یا [www.azadizan.com](http://www.azadizan.com)